

بررسی ارتباط بین اجزاء عشق و رضایتمندی زوجی

میترا حفاظی طرهبه (M.D.)⁺ علی فیروزآبادی (M.D.)^{**} حسن حق شناس (Ph.D.)^{***}

چکیده

سابقه و هدف: یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده های رضایتمندی در رابطه ی زناشویی، وجود عشق در رابطه و کیفیت آن است. در این پژوهش به بررسی روایی و پایایی پرسشنامه مقیاس مثلی اشترنبرگ (Sternberg) برای عشق، که یکی از رایج ترین مقیاس ها در این زمینه می باشد و بررسی رابطه اجزای عشق بر اساس نظریه اشترنبرگ، بارضایتمندی زوجی پرداخته شد.

مواد و روش ها: این پژوهش بر روی ۱۲۳ فرد متاهل ساکن شهر شیراز و با روش نمونه گیری در دسترس انجام شد. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه رضایتمندی زوجی انریچ (ENRICH)، پرسشنامه مقیاس اشترنبرگ برای عشق و مشخصات جمعیت شناختی بود.

یافته ها: این بررسی نشان داد که مقیاس اشترنبرگ برای عشق و ترجمه فارسی آن از روایی و پایایی مطلوب برخوردار است و سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد با رضایتمندی زوجی همبستگی دارند. جزء صمیمیت هم در زنان و هم در مردان بالاترین همبستگی را نشان می دهد ولی میانگین نمرات این اجزاء، رضایتمندی و شاخص های انریچ در گروه زنان با مردان تفاوت معنی داری ندارد. نهایتاً سه جزء مقیاس اشترنبرگ همراه با برخی متغیرهای جمعیت شناختی قادر به پیش بینی رضایتمندی زوجی می باشند.

استنتاج: مقیاس سه گانه اشترنبرگ برای عشق به عنوان ابزاری پایا و روا قابلیت پیش بینی رضایتمندی زوجی را دارا است و جزء صمیمیت، مهم ترین عامل پیش بینی کننده رضایت از رابطه محسوب می شود.

واژه های کلیدی: عشق، رضایتمندی زناشویی، صمیمیت

مقدمه

سلامت روانی هر فرد می باشد. از این رو پژوهشگران بسیاری به این موضوع پرداخته اند (۳ تا ۱). یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده ها رضایتمندی از رابطه زناشویی،

ازدواج را می توان یکی از مهم ترین تصمیم گیری ها در زندگی هر فرد دانست و رضایتمندی از ازدواج یکی از اصلی ترین عوامل تعیین کننده ی کیفیت زندگی و

⁺ تهران: خیابان ۱۶ آذر- نیش پورسینا- پلاک ۲۱- طبقه چهارم- مرکز تحقیقات اخلاق پزشکی
Email: Mitra-Hefazi@yahoo.com

* دستیار روان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

** متخصص روان پزشکی، عضو هیأت علمی (استادیار) مرکز تحقیقات روان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز
*** دکترای روان شناس بالینی، عضو هیأت علمی (دانشیار) مرکز تحقیقات روان پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز

تاریخ دریافت: ۸۴/۹/۵ تاریخ ارجاع جهت اصلاحات: ۸۵/۱/۱۹ تاریخ تصویب: ۸۵/۳/۳۱

سرعت به وجود می‌آید و همراه با درجات بالایی از برانگیختگی سایکوفیزیولوژیک است.

۴- عشق توخالی (Empty love): عشقی که صرفاً برخاسته از تصمیم یا تعهد به حفظ رابطه است و اجزاء صمیمیت و شور و اشتیاق در آن جایی ندارد. هرچند که در جوامع غربی این نوع از عشق مختص مراحل پایانی یک رابطه در نظر گرفته می‌شود، در جوامع سنتی تر ممکن است این اولین مرحله شروع یک رابطه باشد.

۵- عشق رمانتیک: ترکیب اجزاء صمیمیت و شور و اشتیاق است.

۶- عشق شراکتی (Companionate love): ترکیب اجزاء صمیمیت با تعهد این نوع از عشق را که در واقع نوعی دوستی طولانی مدت همراه با تعهد به حفظ رابطه است، شکل می‌دهد. در ازدواج‌هایی که به مرور زمان جذابیت‌های جسمانی و جزء شور و هیجان افول می‌کند این وضعیت دیده می‌شود و در واقع زن و شوهر به دوستانی برای زندگی تبدیل می‌شوند.

۷- عشق کور (Fatus Love): ترکیب صرفاً جزء شور و اشتیاق با تعهد که صمیمیت در آن نقش ندارد. طرفین بعد از یک دیدار کاملاً اتفاقی به سرعت عاشق شده و ازدواج می‌کنند، این گونه روابط معمولاً متزلزل بوده و در معرض خطر فروپاشی قرار دارند.

۸- عشق کامل (Consummate Love): رابطه‌ای که در آن هر سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد به تناسب وجود دارد (۱۱،۱۰).

اشترنبرگ برای سنجش این اجزا مقیاسی ابداع نموده که با استفاده از آن مطالعات و پژوهش‌های متعددی انجام گرفته است و ارتباط این اجزا با رضایتمندی از رابطه زوجی نشان داده شده است (۱۲ تا ۱۵). بنابراین مقیاس اشترنبرگ به‌عنوان مقیاسی مناسب جهت سنجش اجزای عشق و پیش‌گویی رضایتمندی از رابطه زوجی در سطح جهان مطرح و مورد پذیرش می‌باشد (۱۷،۱۶).

عشق و کیفیت آن است (۶،۴). عشق بین زوجین و کیفیت آن در پژوهش‌های متعددی مورد مطالعه قرار گرفته است و صاحب‌نظران بسیاری به آن پرداخته‌اند (۷ تا ۱۱). یکی از مهم‌ترین و مورد توجه‌ترین نظریه‌ها که به تبیین اجزا و انواع عشق می‌پردازد، نظریه مثلثی عشق (triangular-theory of love) است که توسط یکی از روان‌شناسان معاصر بنام اشترنبرگ ابداع شده و به نام خود او مشهور می‌باشد (۹). وی مفهوم عشق را در سه جز کلی که می‌تواند اضلاع یک مثلث باشند شرح داده است: جزء صمیمیت (intimacy) که شامل احساس نزدیکی، برقراری ارتباط متقابل و دل‌بستگی در رابطه است؛ جزء شور و اشتیاق (passion) که مبتنی بر انگیزش‌های جنسی و جذابیت‌های جسمانی است و جز تعهد و تصمیم (descision/commitment) که در کوتاه مدت به شکل تصمیم برای برقراری رابطه و در طولانی مدت به شکل تعهد و احساس مسئولیت برای حفظ و تداوم آن رابطه ظاهر می‌یابد. این سه جز در ترکیب با یکدیگر، ۸ نوع متفاوت از عشق را به وجود می‌آورند که هر کدام ویژگی‌ها، معایب و محاسن خاص خود را دارند؛ به طوری که برخی از انواع عشق با سطوح بالاتری از رضایتمندی در رابطه زوجی همبستگی دارند (۱۱،۱۰).
انواع هشت‌گانه‌ی عشق در نظریه اشترنبرگ شامل این موارد می‌باشد:

۱- فقدان عشق (Non love): وقتی است که هر سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد غایب هستند. بخش عمده‌ی روابط بین فردی و تعاملات اتفاقی ما با دیگران را این نوع رابطه تشکیل می‌دهد.

۲- دوست داشتن (Liking): فقط جزء صمیمیت وجود دارد و دو جزء شور و اشتیاق و تعهد در رابطه وجود ندارد.

۳- شیدایی (Infatuated love): تماماً شور و هیجان است بدون تعهد و یا صمیمیت. این نوع از عشق به

توسط پژوهشگر و یا همکار آموزش دیده او مصاحبه مختصری جهت معرفی طرح، نحوه تکمیل پرسشنامه و اطمینان بخشی در مورد محرمانه بودن نتایج انجام می‌شد. سعی بر این بود تا با توزیع پرسشنامه‌ها در پاکت‌های در بسته، بدون نام و مشخصات و مجدداً جمع آوری پرسشنامه‌ها به صورت گروهی، افراد اطمینان خاطر داشته باشند پرسشنامه آنان قابل شناسایی نمی‌باشد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

- ۱- پرسشنامه مشخصات جمعیت شناختی شامل سن، جنسیت، مدت تأهل بر حسب سال، تعداد فرزندان، سطح تحصیلات فرد و همسرش و مدت آشنایی قبل از ازدواج.
- ۲- پرسشنامه انریچ^۱: پرسشنامه رضایتمندی زناشویی یک ابزار ۱۱۵ سوالی است که برای سنجش سطح رضایتمندی در رابطه زناشویی به کار می‌رود. پرسشنامه انریچ از ۱۴ خرده مقیاس تشکیل شده است که مقیاس اول ۵ سوال و سایر مقیاس‌ها هر کدام ۱۰ سوال دارد. روایی و پایایی پرسشنامه انریچ در پژوهش‌های متعدد خارج از ایران مورد تایید قرار گرفته است (۲۱،۱۹،۳). در ایران نیز تحقیقات میرخشتی (۱۳۷۵)، مهدویان (۱۳۷۶)، مرادی (۱۳۸۰)، ثنائی (۱۳۸۱)، حق شناس (۱۳۸۳) نشان داده‌اند که مقیاس انریچ و ترجمه فارسی آن از روایی و پایایی لازم برخوردار است. در فرم ۱۱۵ سوالی این مقیاس که در ایران اجرا شده است، برای هر یک از سوال‌های پرسشنامه پنج گزینه منظور شده است. این گزینه‌ها عبارتند از خیلی زیاد، متوسط، کم و هیچ وقت. به جز سوالات ۹۶ تا ۱۰۵ که برای آنها گزینه‌های همیشه، اغلب اوقات، نمی‌دانم، خیلی کم و هیچ وقت انتخاب شده است. نمره‌گذاری سوال‌ها به صورت ۴، ۳، ۲، ۱، ۰ از نوع مقیاس لیکرت است. نمره‌ی بالا نشانه‌ی رضایتمندی بیش‌تر است (۲۱،۱۹،۳).

مطالعات انجام گرفته در ایران، تا جایی که ما در جستجوی خود به آن دست یافتیم، تنها به بررسی ارتباط متغیرهای جمعیت شناختی و ملاک‌های انتخاب همسر با رضایتمندی از رابطه زوجی پرداخته‌اند (۲۱ تا ۱۸) و تاکنون مطالعه‌ای در ایران جهت معرفی ترجمه‌ای روان، پایا و واجد تطابق فرهنگی از مقیاس اشترنبرگ و نیز بررسی ارتباط اجزای عشق با سطح رضایتمندی از رابطه زوجی انجام نشده است.

در مطالعه حاضر ضمن بررسی روایی و پایایی ترجمه فارسی مقیاس اشترنبرگ ارتباط اجزای عشق با سطح رضایتمندی از رابطه زوجی در میان زوج‌های ایرانی مورد مطالعه قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها

این مطالعه از نوع تحلیلی و به روش مقطعی انجام شد. برای نمونه‌گیری پس از مشورت با متخصص آمار و بر اساس تحقیقات قبلی حجم نمونه حداقل هفتاد مورد و روش نمونه‌گیری در دسترس تعیین شد. مبنای اندازه‌گیری تعداد نمونه، نتایجی بوده است که در مطالعات مشابه که در خارج از کشور به انجام رسیده‌اند (۱۳،۱۲) به دست آمده‌اند. روش در دسترس نیز به علت محدودیت‌های اجرایی نمونه‌گیری تصادفی و با توجه به استفاده از همین روش در مطالعات مشابه خارجی (۱۷،۱۳،۱۲) انتخاب گردید. پژوهش حاضر بر روی ۱۲۳ فرد متاهل ساکن شهر شیراز در سال‌های ۸۴-۱۳۸۳ انجام شد. افراد مورد مطالعه متاهلینی بودند که از میان کارمندان بیمارستان‌های حافظ و ابن سینا، دانشگاه علوم پزشکی، ملاقات‌کنندگان بیماران بستری در بیمارستان‌های حافظ و ابن سینا و انجمن‌های فرهنگی سطح شیراز انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها ابتدا

1. ENRICH: Enriching and Nurturing relationship issues, Communication and Happiness.

۳- مقیاس سه گانه اشترنبرگ برای عشق:

(sternberg's triangular love scale) این پرسشنامه ۴۵ سوالی سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد/ تصمیم را هر کدام با ۱۵ سوال مورد سنجش قرار می‌دهد. آزمودنی‌ها به هر سوال نمره‌ای بین ۱ به معنای به هیچ وجه و ۹ به معنای بسیار زیاد می‌دهند. نمرات بالاتر به معنای صمیمیت، شور و اشتیاق و یا تعهد بیش‌تر می‌باشد. نتایج پژوهش‌هایی که از این مقیاس استفاده کرده‌اند، نشان می‌دهد این مقیاس به عنوان ابزاری روا و پایا در فرهنگ‌های مختلف کاربرد دارد (۲۲، ۱۷، ۱۶، ۱۳، ۱۲). از آن جاکه ترجمه فارسی این مقیاس تاکنون مورد هنجاریابی (تعیین روایی و پایایی) قرار نگرفته است، در این پژوهش ابتدا با استفاده از نظرات متخصصین روان‌پزشک و روان‌شناس بالینی و اساتید زبان انگلیسی که همگی عضو هیأت علمی دانشگاه بودند، روایی محتوایی (content validity) این مقیاس و ترجمه آن مورد تایید قرار گرفت و سپس با روش بازآزمایی (Test-Re test) بر روی ۳۰ نمونه از گروه مورد مطالعه با فاصله یکماه، پایایی آزمون مورد تایید قرار گرفت که ضریب همبستگی پیرسون بین نمرات بخش اول و دوم سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد و تصمیم به ترتیب عبارت بود ($r=0/903$ ، $P<0/01$)، ($r=0/93$ ، $P<0/01$) و ($r=0/80$ ، $P<0/01$) پس از جمع‌آوری داده‌ها تجزیه و تحلیل آماری با به کارگیری

نرم‌افزار SPSS 11.5 و با استفاده از آزمون‌های تعیین ضریب همبستگی پیرسون، آزمون T، آنالیز واریانس و رگرسیون چند متغیره انجام شد.

یافته ها

در این پژوهش جمعاً ۱۲۳ فرد متأهل (۴۲ مرد و ۸۱ زن) شرکت کردند که ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه‌ها به تفکیک جنسیت در جدول شماره ۱ بیان شده است. آزمون t نشان می‌دهد که دو گروه تنها از نظر سن با یکدیگر تفاوت معنی دار نشان می‌دهند ($p=0/002$) (جدول شماره ۱).

میانگین و انحراف معیار سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد و تصمیم به تفکیک جنسیت محاسبه گردید (جدول شماره ۲). نتایج حاصل از آنالیز واریانس چند متغیره (MANOVA) نشان داد که جنسیت به عنوان یک متغیر مستقل تاثیر معنی داری بر نمرات سه جزء عشق به عنوان متغیرهای وابسته ندارد [$P=0/128$ و $F(3,119)=1/93$].

همچنین نمرات رضایتمندی کل و شاخص‌های انریج نیز در گروه مردان و زنان تفاوت معنی‌دار نداشت. [$F(1,112)=1/83$ و $P=0/063$] جدول شماره ۲ میانگین و انحراف معیار نمرات خرده مقیاس‌های پرسشنامه رضایتمندی زوجی را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار متغیرهای جمعیت شناختی در گروه مردان و زنان مورد مطالعه

تخمین p	برآورد t	زن n=81		مرد n=42		
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
0/002	3/13	9/18	33/83	8/32	39/14	سن
0/64	0/46	9/54	10/95	8/99	11/78	سالهای تاهل
0/07	1/8	2/26	14/28	1/66	15/00	تحصیلات فرد
0/32	0/98	2/87	14/13	2/93	13/59	تحصیلات همسر
0/544	0/6	14/15	10/19	14/88	11/85	مدت آشنایی قبل از ازدواج

جدول شماره ۲: میانگین و انحراف معیار نمرات خرده مقیاس‌های پرسشنامه انریچ و سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد و تصمیم به تفکیک

جنسیت

P	F	زن N=۸۱		مرد N=۴۲		صمیمیت
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۰/۱۲۸	۱/۹۳	۲۲/۱۲	۱۱۱/۵۳	۲۵/۸۰	۱۱۷/۷۸	صمیمیت
۰/۱۲۸	۱/۹۳	۲۲/۲۴	۱۱۸/۹۶	۲۷/۰۲	۱۱۹/۷۱	تعهد و تصمیم
۰/۱۲۸	۱/۹۳	۳۱/۶۰	۹۷/۷۷	۳۲/۷۹	۹۹/۲۸	شور و اشتیاق
۰/۱۲۸	۱/۹۳	۶۹/۷۱	۳۲۸/۲۷	۷۸/۹۱	۳۳۶/۷۸	نمره کل در عشق
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۵۰/۳۶	۲۵۱/۶۲	۵۶/۹۹	۲۵۸/۶۴	رضایتمندی کلی
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۳/۷۱	۱۲/۳۵	۷/۸۱	۱۴/۵۲	تحریف آرمانی
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۸/۲۷	۲۴/۳۷	۹/۱۷	۲۷/۱۴	رضایت کلی
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۹/۵۴	۲۵/۲۹	۹/۱۳	۲۷/۶۱	رضایتمندی شخصی
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۷/۱۱	۲۵/۰۹	۶/۴۷	۲۶/۱۹	ارتباط
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۷/۶۷	۲۳/۳۰	۹/۶۲	۲۳/۸۰	حل تعارض
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۷/۷۸	۲۷/۷۴	۷/۷۲	۲۹/۹۷	مدیریت مالی
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۶/۵۳	۲۴/۷۲	۱۰/۶۶	۲۶/۰۷	اوقات فراغت
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۸/۲۷	۲۹/۰۲	۹/۱۶	۳۰/۹۵	رابطه جنسی
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۶/۶۷	۲۷/۴۱	۷/۲۹	۲۸/۴۲	فرزندان
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۷/۱۲	۲۴/۵۵	۸/۲۵	۲۲/۴۷	خانواده و دوستان
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۶/۲۴	۱۸/۷۷	۷/۴۲	۱۵/۴۲	مسائرت طلبی
۰/۰۶۳	۱/۸۳	۶/۶۵	۲۵/۶۷	۷/۱۱	۲۷/۶۹	جهت گیری مذهبی

و $(r=0/5, P=0/0001)$ جهت تعیین اختلاف معنی دار میان ضرایب همبستگی به دست آمده در دو گروه زنان و مردان از جدول Z فیشر و تبدیل I به Z_r استفاده شد که تفاوت معنی داری میان ضرایب همبستگی در گروه مردان با زنان مشاهده نگردید ($P>0/05$).

جدول شماره ۳، همبستگی پیرسون برای نمرات سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق، تعهد و تصمیم و شاخص‌های رضایتمندی انریچ را نشان می‌دهد.

در گروه مردان و زنان نمرات سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق، تعهد و تصمیم و رضایتمندی کل با سال‌های تاهل و سن، همبستگی منفی و معنی دار نشان می‌دهد ولی با سایر متغیرهای جمعیت شناختی از جمله تعداد فرزندان، سطح تحصیلات خود فرد و همسرش ارتباط معنی داری یافت نشد. بیشترین همبستگی منفی میان جزء شور و اشتیاق با سن ($r=-0/33$ و $P=0/0001$) و کمترین همبستگی منفی میان جزء صمیمیت با سال‌های تاهل مشاهده می‌شود ($r=-0/18$ و $P=0/037$).

به کمک ضریب همبستگی پیرسون ارتباط بین سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد و تصمیم با نمرات رضایتمندی (نمره کل و نمره رضایتمندی در هر یک از شاخص‌های انریچ) به تفکیک برای مردان و زنان و کل نمونه مشخص گردید هم در گروه مردان و هم در گروه زنان نمرات سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد و تصمیم همبستگی مثبت و معنی داری با نمره رضایتمندی کل نشان می‌دهد (جدول شماره ۳).

نمره صمیمیت بالاترین همبستگی را در گروه مردان با نمره رضایتمندی دارد ($r=0/68$ ؛ $P=0/0001$) و نمره تعهد و تصمیم در گروه مردان نیز همبستگی معنی دار با نمره رضایتمندی نشان می‌دهد ($r=0/64$ و $P=0/0001$). و در آخر نمره جز شور و اشتیاق نیز در این گروه همبستگی معنی دار با نمره رضایتمندی دارد ($r=0/54$ ، $P=0/0001$) در گروه زنان نیز بالاترین همبستگی بین نمره جزء صمیمیت با رضایتمندی یافت شد ($r=0/64$ ، $P=0/0001$) و ضرایب همبستگی دو جزء تعهد و شور و اشتیاق نیز به ترتیب عبارت بودند: ($r=0/54$ ، $P=0/0001$).

جدول شماره ۳: همبستگی پیرسون برای نمرات سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق، تعهد و رضایت مندی زوجی در کل گروه مورد مطالعه

شاخص های انرژی اجزای عشق	رضایتمندی کل	تحریف آرمانی	رضایتمندی شخصی	ارتباط	حل تعارض	مدیریت مالی	اوقات فراغت	رابطه جنسی	فرزندان	خانواده و دوستان	مساوات طلبی	جهت گیری مذهبی
صمیمت	۰/۶۶۶	۰/۵۸۶	۰/۵۰۴	۰/۶۲۰	۰/۵۸	۰/۵۵۸	۰/۵۷۷	۰/۵۳۶	۰/۴۴۸	۰/۳۳۴	-۰/۰۳۷	۰/۲۸۶
شور و اشتیاق	۰/۴۷۶	۰/۴۷۷	۰/۳۴۷	۰/۳۱۵	۰/۴۷۶	۰/۳۴۰	۰/۶۲۸	۰/۵۳۸	۰/۲۵۱	۰/۳۳۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
تعهد و تصمیم	۰/۵۸۳	۰/۴۹۴	۰/۴۱۲	۰/۵۳۹	۰/۵۳۱	۰/۴۵۳	۰/۵۳۶	۰/۵۰۰	۰/۳۷۲	۰/۳۶۶	-۰/۰۳۸	۰/۲۳۴
	P	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۷۹	۰/۰۰۹

جدول شماره ۴: متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون چند متغیره برای رضایتمندی در گروه زنان

نوع متغیر	B	انحراف استاندارد	Beta	برآورد T	سطح معنی داری
صمیمیت	۱/۲۷	۰/۳۳۴	۰/۵۶	۳/۸	۰/۰۰۱
شور و اشتیاق	-۰/۰۸۲	۰/۲۶۴	-۰/۰۵	-۰/۳۱	۰/۷۵
تعهد و تصمیم	۰/۱۹۷	۰/۳۹۸	-۰/۰۸	۰/۴۹	۰/۶۲
سن	۰/۲۷	۱/۵۲	-۰/۰۵	۰/۱۷	۰/۸۵
سالهای تاهل	-۱/۳۱	۱/۵۵	-۰/۲۴	-۰/۸۴	۰/۴۰
تعداد فرزندان	۲/۴۶	۳/۳۸	۰/۰۷	۰/۷۲	۰/۴۶
تحصیلات فرد	-۰/۹۷	۲/۵۰	-۰/۰۴	-۰/۳۹	۰/۶۹
تحصیلات همسر	۲/۶۹	۱/۹۸	۰/۱۵	۱/۳۵	۰/۱۷
آشنایی قبل از ازدواج	-۰/۲۹	۰/۳۴	-۰/۰۸	-۰/۸۴	۰/۱۰

تحلیل رگرسیون چند متغیره (پلکانی) جهت تعیین عوامل پیش بینی کننده رضایتمندی زوجی انجام گرفت که عوامل جمعیت شناختی شامل سن، سالهای تاهل، تحصیلات، تعداد فرزندان و نمرات صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد و تصمیم به عنوان متغیرهای مستقل و نمره رضایتمندی کل به عنوان متغیر وابسته در دو گروه زنان و مردان در نظر گرفته شد. از نتایج این محاسبه در گروه مردان ضریب رگرسیون ۰/۷۰۸ و مجذور آن ۰/۵۰۲ به دست آمد که از نظر آماری معنی دار بود [R²=۰/۵۰۲ و F(۹,۳۲)=۳/۵۷ و P=۰/۰۰۴].

بحث

یکی از فرضیات مورد مطالعه در پژوهش حاضر ارتباط بین نمرات سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد بر اساس تئوری اشتراک با رضایتمندی زوجی بود که یافته های حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد هم در گروه زنان و هم در گروه مردان بین نمرات سه جزء عشق با رضایتمندی زوجی همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد. این یافته همسو با تحقیقات اسپرچر^۲ (۱۹۹۹) می باشد که سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد را در تداوم و رضایتمندی رابطه موثر می داند (۱۱). تحقیقات قبلی توسط اشتراک و پژوهش لمیوهیل^۳ که بر روی تعدادی از زوجین متاهل انجام شده نیز بیان

همچنین در گروه مردان هیچ کدام از متغیرهای فوق به تنهایی قادر به پیشگویی رضایتمندی در سطح معنی دار نبودند (P>۰/۰۵). در گروه زنان نیز عوامل فوق الذکر همگی با هم به عنوان عوامل پیش بینی کننده رضایتمندی از ازدواج به دست آمدند [P=۰/۰۰۰۱ و R²=۰/۴۶ و F(۹,۷۱)=۶/۷۴]. در میان عوامل فوق الذکر بیش از همه متغیر صمیمیت قادر به پیش بینی رضایتمندی زوجی در میان زنان بوده است (P=۰/۰۰۰۱ و t=۱/۳۹ و β=۰/۵۶). جدول شماره ۴ متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیون چند متغیره برای زنان را نشان می دهد.

2. Spercher
3. Lemiea and Hale

1. Multiple Regression Analysis: stepwise

افزایش سن و سال‌های تاهل هم در گروه مردان و هم در گروه زنان سطح رضایتمندی و نمرات سه جزء عشق همگی کاهش می‌یابند. البته اشتراک در فرضیات خود بیان می‌کند که سه جزء عشق با گذشت زمان و در سیر یک رابطه دستخوش، تغییرات کمی و کیفی می‌شوند (۹). به عنوان مثال صمیمیت در روابط می‌تواند به دو شکل یکی آشکار (manifest) و دیگری پنهان (latent) وجود داشته باشد که با گذشت زمان تظاهر صمیمیت آشکار کم می‌شود ولی نوع پنهان صمیمیت به رشد خود ادامه می‌دهد. بنابراین از دید ناظر بیرونی ممکن است به اشتباه، صمیمیت در رابطه، کم‌تر از حد واقعی برآورد شود. اشتراک هم‌چنین معتقد است جزء شور و اشتیاق به مرور زمان در یک رابطه رو به کاهش می‌گردد. تحقیقات دیگر از جمله تحقیق لمیو و هیل^۴ (۲۰۰۰) نشان دهنده کاهش در اجزای صمیمیت، شور و اشتیاق با گذشت زمان می‌باشند (۱۲، ۹). اشتراک در نظریه خود این گونه پیش‌بینی می‌کند که جزء تعهد/تصمیم تا حدود زیادی مرتبط با رضایتمندی از رابطه است و چنانچه رابطه‌ای تداوم یابد، این جزء افزایش می‌یابد. پژوهش‌های دیگر نیز موید افزایش جزء تعهد در رابطه با مرور زمان هستند (۱۱، ۱۲، ۲۴). این یافته با نتایج پژوهش حاضر که بیانگر کاهش نمره‌ی جزء تعهد با افزایش سال‌های تاهل می‌باشد، مطابقت ندارد. شاید در توجیه آن بتوان گفت که در فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه ما علل دیگری به جز رضایتمندی، در تعیین تداوم یک رابطه دخالت دارند؛ به طوری که با وجود کاهش در جزء تعهد و کاهش در رضایتمندی هم‌چنان رابطه زوجی تداوم داشته است.

سایر پژوهش‌های انجام گرفته در ایران و برخی پژوهش‌های خارجی نیز نشان داده‌اند که با افزایش سن، رضایتمندی زناشویی کم می‌شود (۱۸، ۲۰) در این پژوهش

می‌کنند که سه جزء عشق با رضایتمندی ارتباط معنی‌دار دارند (۱۷، ۱۲، ۹۸). در پژوهش حاضر بالاترین همبستگی بین نمرات اجزاء صمیمیت سپس تعهد و در آخر شور و اشتیاق با رضایتمندی زوجی مشاهده می‌شود. در مطالعات قبلی از جمله پژوهش‌های اشتراک و گراچک، نیز بر نقش کلیدی صمیمیت در شکل‌گیری یک رابطه عاشقانه تأکید شده است. در تایید بیش‌تر این یافته تحقیق بومستر (۱۹۹۳) نیز بیان می‌کند دو جزء دیگری یعنی شور و اشتیاق و تعهد در گذر زمان و از جزء اصلی صمیمیت نشأت می‌گیرد (۱۴). تایمرمن^۲ (۱۹۹۱) در پژوهشی که در ارتباط با مفهوم صمیمیت انجام داده است، این مقوله را به عنوان جزء مهمی در تکامل رشد روانی در بزرگسالی و شکل‌گیری هویت مطرح نموده است (۲۳) که این با یافته‌های پژوهش حاضر سازگار می‌باشد. در پژوهش حاضر، کم‌ترین ارتباط بین این سه جزء در رابطه با جزء شور و اشتیاق با رضایتمندی یافت شد. این مساله می‌تواند ناشی از تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به عشق و تظاهرات رفتاری مرتبط با آن باشد چرا که در مطالعات بین فرهنگی دیگر از جمله پژوهش جی‌جانو (۲۰۰۱) در چین نشان داده شده است که زوج‌های آمریکایی نسبت به زوج‌های چینی نمرات بالاتری در شور و اشتیاق کسب می‌کنند (۱۳). سایر مطالعات نیز که به تفاوت‌های فرهنگی موجود در اجزای عشق پرداخته‌اند، یافته‌های مشابهی را گزارش کرده‌اند مبنی بر این که نمرات آسیایی‌ها در جزء شور و اشتیاق عشق (passionate love)، پایین‌تر از سایر انواع عشق است و برعکس در جزء تصمیم و تعهد نمرات بالاتری نسبت به آمریکایی‌ها و فرانسوی‌ها دارند (۱۳). از دیگر فرضیات این پژوهش ارتباط بین متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنسیت، سال‌های تاهل، تعداد فرزندان و ...) با سه جزء عشق و رضایتمندی زوجی بود که نتایج نشان دادند با

1. Baumeister 2. Timmerman
3. Ge Gao

4. Lemiea and Hale

و تعهد را می‌سنجد، نشان می‌دهد که بین گروه مردان و زنان تفاوت معنی‌دار در نمرات سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد دیده نمی‌شود. همین‌طور سالاس و کترن‌بگر^۴ (۲۰۰۴) نیز معتقد هستند که در روابط با دوستان نمرات صمیمیت زنان و مردان متفاوت است ولی در روابط رمانتیک میانگین نمرات صمیمیت بین زنان و مردان تفاوت معنی‌دار ندارد (۱۷،۱۵).

بنابراین به نظر می‌رسد که این عدم همخوانی بین نتایج تحقیقات متعدد در این زمینه در درجه اول مربوط به استفاده از روش‌شناسی و یا ابزار متفاوت برای سنجش این متغیرها باشد.

نهایتاً به کمک تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داده شد که متغیرهای سن، سال‌های تاهل، تعداد فرزندان، تحصیلات همسران، مدت آشنایی قبلی به همراه سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد تصمیم در گروه مردان تا حدود ۵۰ درصد و در گروه زنان تا ۴۶ درصد رضایتمندی زوجی را می‌تواند پیش‌بینی کند. در گروه مردان هیچ کدام از متغیرهای فوق به تنهایی قادر به پیش‌گویی رضایتمندی نبودند ولی در گروه زنان صمیمیت قادر به پیش‌گویی رضایتمندی زناشویی در حد معنی‌دار می‌باشد. این یافته‌ها قابل مقایسه با نتایج تحقیقاتی چون پژوهش حق‌شناس و فیروزآبادی است که ملاک‌های انتخاب همسر، ویژگی‌های شخصیتی و جمعیت‌شناختی در مردان نتوانسته پیش‌بینی‌کننده رضایتمندی زوجی باشد ولی برخی ملاک‌های انتخاب، مشخصات جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های شخصیتی در حدود ۲۵ درصد قابلیت پیش‌بینی رضایتمندی زناشویی را در گروه زنان دارا بوده است (۱۹). آکرودویس^۵ نیز قابلیت پیش‌گویی رضایتمندی از رابطه را برای تئوری اشتربنرگ بیان کرده‌اند (۱۳).

بین سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی از جمله تعداد فرزندان، تحصیلات فرد، تحصیلات همسر، مدت آشنایی قبل از ازدواج از یکسو و نمرات سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد و رضایتمندی زناشویی از سوی دیگر ارتباط معنی‌داری یافت نشد؛ درحالی‌که سایر تحقیقات انجام شده در ایران، تعداد فرزندان و تحصیلات بالاتر همسران را موجب رضایتمندی بیش‌تر در رابطه ذکر می‌کند (۳) فورز (Forz) وجود فرزندان و تحصیلات بالاتر همسران را موجب رضایتمندی بیش‌تر در رابطه ذکر می‌کند (۳) در حالی‌که بال (Ball) نشان داده است که سطح شادکامی زناشویی در مردان و زنان با شمار فرزندان رابطه معکوس دارد (۲۰). این عدم همخوانی در مطالعات مختلف ممکن است ناشی از تفاوت در ابزار به کار رفته و روش‌شناسی این تحقیقات باشد.

همچنین در این مطالعه دیده شد که جنسیت تأثیری بر نمرات رضایتمندی، شاخص‌های انریج و نمرات سه جزء عشق (صمیمیت، شور و اشتیاق، تعهد) ندارد و گروه زنان و مردان از این نظر تفاوت معنی‌داری ندارند. بر خلاف این یافته پژوهش جیمبالو (۱۹۹۳) بیان می‌کند که برای مردان عامل جذابیت‌های جسمانی و رابطه جنسی نقش مهم‌تری در رضایتمندی دارد (۲۵). مطالعه گریف و مالهرب^۲ (۲۰۱۱) نیز بیان می‌کند که زنان و مردان در ادراک عشق و صمیمیت تفاوت‌هایی دارند از جمله در روابط جنسی و نحوه گذراندن اوقات فراغت به عنوان دو جنبه صمیمیت با یکدیگر تفاوت دارند (۲۶). مطالعات دیگر نیز عنوان می‌کنند که صمیمیت در روابط برای زنان نسبت به مردان نقش مهم‌تری ایفا می‌کند و نمرات زنان در صمیمیت نسبت به مردان بالاتر بوده است (۲۷،۱۵،۹). اما مطالعات لمیو وهیل^۳ که با استفاده از مقیاس اشتربنرگ، اجزای صمیمیت، شور و اشتیاق

4. Salas and Ketzenbeger
5. Aker and Daviss

1. Gimbalo
2. Greef & Malherbe
3. Lemiea and Hale

اجزای عشق و قابلیت پیش بینی رضایتمندی زوجی بهتر است، در آینده به روش طولی، تحقیقات تکمیلی در این زمینه به انجام برسد و نیز در تحقیقات بعدی از نمونه‌ای که به‌طور کاملاً تصادفی انتخاب شده باشد و در نتیجه معرف بهتری از جمعیت باشد، استفاده گردد.

سپاسگزاری

این گزارش بر اساس نتایج طرح پژوهشی مصوب شماره ۲۲۸۷ تاریخ تصویب ۸۳/۱۰/۸ مرکز تحقیقات روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز تهیه شده است. بدین وسیله از حمایت مرکز تحقیقات روان پزشکی و معاون محترم پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شیراز و معاون محترم پژوهشی دانشکده پزشکی آن دانشگاه قدر دانی می‌گردد. همچنین از کلیه افرادی که در این طرح پژوهشی پژوهشگران را با ارائه اطلاعات و تکمیل پرسشنامه‌ها یاری دادند، صمیمانه سپاسگزاری می‌گردد.

لمیوهیل نیز سه جزء صمیمیت، شور و اشتیاق و تعهد تئوری اشتربنرگ را به عنوان فاکتورهای پیش بینی کننده رضایتمندی در زوجین متاهل بیان کرده و ضمناً جزء صمیمیت را دارای بیش‌ترین قدرت پیشگویی رضایتمندی زوجی عنوان می‌کنند (۱۷). همسویی یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات انجام شده در زمینه نظریه عشق اشتربنرگ بیانگر این مطلب است که این نظریه قابلیت پیش‌بینی و کاربرد در مقوله عشق و رضایتمندی را دارا است. در پایان لازم به ذکر است که در این مطالعه، همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد، از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شده است که این امر را می‌توان از محدودیت‌های مطالعه حاضر دانست، چرا که در این موارد بهتر است از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شود. از همین رو و نیز از آن‌جا که این مطالعه به روش مقطعی انجام گرفته، جهت پیش‌بینی دقیق‌تر تغییرات

فهرست منابع

1. Tucker-ladd C. Psychological self-help. 2002; Available at: <http://www.who.int/Mental Health>
2. Regan P. Love relationship. In: *Psychological perspectives on human sexuality*. New york, John wiley & sons Co, 2000.
3. اسرار، صدیقه. بررسی روایی و پایایی مقیاس رضایتمندی زوجی (انریچ) در گروهی از زوجین متقاضی طلاق در شهر شیراز. *پایان نامه جهت اخذ کارشناسی ارشد روانشناسی*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، ۱۳۸۳.
4. Willi J. The significanee of romantic love for marriage. *Fam process*. 1997; 36:171-82.
5. Bergner RM. Love and barriers to love. An analysis for psychotherapists and others. *Am J psychother*. 2000; 54: 1-17.
6. Beal AE, Sternberg RJ. The social construction of love. *J social Personal Relationship*. 1995; 12: 417-438.
7. Millivojevic L, Strkalj levzic S. Importance of object relations theories for developoment of capacity for mature love. *Croat Med J*, 2004; 45: 18-24.

8. Barnes ML, Sternberg RJ.A. Hierarchical model of love and its prediction of satisfaction in close relationships. In: RJ Sternberg & M Hojjat (Eds). *Satisfaction in Close Relationship* (pp.79-101). New York: Guilford Press.
9. Sternberg RJ.A triangular theory of love. *Psychological review* 1986; 93: 119-135.
10. Duffy SM, Rusbult CE. Satisfaction and commitment in homosexual and heterosexual relationships. *Jomosex*. 1985-86; 12: 1-23.
11. Sprecher S. "I love you more today than yesterday." Romantic partner's perceptions of change in love and related affect over time. *J Pers Soc Psychol*. 1999; 76: 46-53.
12. Lemie R, Hale JL. Cross-sectional analysis of intimacy, passion and commitment, the assumption of the triangular theory of love. *Psychol Rep* 2002; 90: 109-14.
13. Ge Gao. Intimacy, passion and commitment in Chinese and U.S American romantic relationship. *International Journal of inter cultural relationship*. 2001; 23: 322-342.
14. Baumeister RF. Passion, intimacy and time passionate love as a function of change in intimacy. *Pers Soc Psychol Rev* 1993; 21: 49-47.
15. Salas D, Ketzenberg KE. Association of sex and type of relationship on intimacy. *Psychol Rep*. 2004; 94: 1322-4.
16. Sternberg J. Construct validity of a triangular love scale. *European J Soc Psychol*. 1997; 27: 313-335.
17. Lemieax R, Hale JL. Intimacy, passion and commitment among married individuals: further testing of the triangular theory of love. *Psychol Rep*. 2000; 87: 94-8.
۱۸. میراحمدی زاده، نخعی امرودی نوذر، طباطبایی سید حمیدرضا، شفعیان رامین. رضایتمندی زناشویی و تعیین عوامل تاثیرگذار بر آن در شیراز. *فصلنامه اندیشه و رفتار*، سال ۱۳۸۲، دوره هشتم، بهار، شماره ۳۲-۳۳، صفحات ۶۳-۵۶.
۱۹. حق شناس حسن، فیروز آبادی علی. بررسی اولویت‌های انتخاب همسر و عوامل موفقیت در ازدواج در گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز (متن پیش از چاپ).
۲۰. ناصحی عباسعلی، رئیسی فیروزه، جعفری مجید، رحمانی مجتبی، میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه فصلنامه *اندیشه و رفتار*، تابستان و پاییز ۱۳۸۳ - سال دهم شماره ۱ و ۲ صفحات ۱۲-۱۸.
۲۱. ثنایی باقر، علاقبندس. *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج* - تهران - انتشارات بعثت. ۱۳۷۹.
22. Engle G, Kenneth Ro. The personality of love: fundamental motives and traits related to component of love. *Personality & individual differences*. 2002; 32: 839-853.
23. Timmerman GM. A concept analysis of intimacy issues. *Ment Health Nurs*. 1991; 12: 19-30.

24. Falconi A, Mullet E. Cognitive algebra of love throughout the adult life. *Int J Aging Hum.* 2003; 57: 275-90.
25. Gimbalo RS, Novell Do. Sex differences in romantic love: Attitudes among college students. *Psychol Rep.* 1993; 73: 15-8.
26. Greef Ap, Malherbe HL. Intimacy and marital satisfaction in spouses. *J Sex Marital Ther.* 2001; 27: 247-57.
27. Eshel Y, Shara bany R. Friends, lovers and spouses: intimacy in young adults. *Psychol Rep.* 2002; 87: 94-98.

Archive of SID